



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران



فصلنامه حقوق برای بین الملل

Volume 3, Issue 3, 2025

A New Investigation into the Jurisprudential Basis of the Criminalization of Corruption on Earth and Its Punishment in Iranian Laws with an Approach to International Law

Nafiseh Hatampouri¹, Mohammad Reza Kazemi Golvardi^{*2}, Mohsen Razmi¹, Hamid Reza Mirzajani³

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

3. Department of Law, Mashhad Branch, Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 97-110

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0000-0000-0000

TELL: +980000000000

Email: kazemigolvardi@iau.ac.ir

Article history:

Received: 19 Feb 2025

Revised: 05 May 2025

Accepted: 16 Jun 2025

Published online: 23 Sep 2025

Keywords:

Crime, Corruption on Earth, Execution, Hadd, Ta'zir.

ABSTRACT

One of the most significant crimes against security, frequently mentioned in Quranic verses, hadiths and authoritative jurisprudential texts, is corruption on Earth. This article critically analyzes the jurisprudential and legal foundations of this crime. The research indicates that while verse 32 of Surah Al-Ma'idah prescribes the death penalty for corruption on Earth, based on the interpretations of jurists (Islamic jurists) and the lack of an independent jurisprudential structure for it, this offense should be considered a Ta'zir (discretionary punishment) crime. Consequently, the death penalty for this offense, except in explicitly stated cases in hadiths, contradicts jurisprudential principles such as caution in applying capital punishment and the principle of innocence until proven guilty. Therefore, the current legislation, which treats corruption on Earth as an independent Hudud (fixed punishment) crime warranting the death penalty for all instances, requires revision. This re-evaluation, drawing inspiration from international approaches to combating organized crime, can lead to more precise definitions of its manifestations, the establishment of proportionate and graduated penalties and the creation of transparent criteria for judges. Such reforms would not only enhance transparency and justice within the domestic judicial system but also align the laws with the principles of Shia jurisprudence and international human rights standards.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Hatampouri, N; Kazemi Golvardi, MR; Razmi, M & Mirzajani, HR (2025). "A New Investigation into the Jurisprudential Basis of the Criminalization of Corruption on Earth and Its Punishment in Iranian Laws with an Approach to International Law". *Journal of International Criminal Law*, 3(3): 97-110.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره سوم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۴

کنکاشی نو در مبانی فقهی جرم‌انگاری افسادفی الارض و مجازات آن در قوانین ایران با رویکردی بر قوانین بین الملل

نویسنده: حاتم‌پوری^۱، محمدرضا کاظمی گلوردی^{۲*}، محسن رزمی^۱، حمیدرضا میرزاجانی^۲

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤل)

۳. گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

یکی از مهم‌ترین جرایم علیه امنیت که نام آن در آیات، روایات و متون معتبر فقهی دیده می‌شود، جرم فسادفی الارض می‌باشد. در این مقاله با مطالعه تحلیلی - انتقادی، مبانی فقهی و حقوقی جرم فسادفی الارض مورد بررسی قرار گرفت و مشخص گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که باوجود آن که آیه ۳۲ سوره مائده مجازات قتل را برای افسادفی الارض برشمرده، اما با استناد به تفسیر فقها و فقدان ساختار فقهی مستقل برای آن، این جرم تعزیری محسوب می‌شود و مجازات اعدام برای آن، جزء در موارد صریح روایات، خلاف اصول فقهی مانند احتیاط در قتل و اصل برائت است، لذا نحوه قانون‌گذاری کنونی که افسادفی الارض را جرمی مستقل و حدی با مجازات اعدام در نظر می‌گیرد، نیازمند بازنگری است. این بازنگری می‌تواند با الهام از رویکردهای بین‌المللی در مبارزه با جرایم سازمان‌یافته، به سمت تعریف دقیق‌تر مصادیق، تعیین مجازات‌های متناسب‌تر و تدریجی و ایجاد معیارهای شفاف برای قضات پیش برود. چنین اصلاحی نه تنها به افزایش شفافیت و عدالت در نظام قضایی داخلی کمک می‌کند، بلکه به تطبیق قوانین با مبانی فقه شیعی و استانداردهای حقوق بشری بین‌المللی نیز منجر خواهد شد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۹۷-۱۱۰

اطلاعات نویسنده مسؤل

کد ارکید:

تلفن: +۹۸۰.....

ایمیل: kazemigolvardi@iau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

جرم، افسادفی الارض، اعدام، حد، تعزیر.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین جرایم علیه امنیت، که در مبانی فقهی (از جمله آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مائده و روایات) به وضوح به آن اشاره و احکامی برای آن تعیین گردیده، فساد فی الارض است. در قوانین ایران، به‌ویژه ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین کیفری، این جرم با مجازات اعدام و مصادیق کلی تعریف شده است. این پژوهش به دلیل علاقه به چرایی حدی دانستن این جرایم توسط قانون‌گذار و تعیین مجازات اعدام برای آن‌ها، با توجه به اصول قانون اساسی مبنی بر تطابق قوانین با فقه شیعه که در آن تعریف و مجازات جرایم حدی تنها از آن شارع است و قابل توسعه یا تضییق نیست، شکل گرفته است.

فرضیه تحقیق حاضر این است که افساد فی الارض جرمی مستقل با تعریف مشخص نیست، لذا نمی‌تواند در زمره جرایم حدی قرار گیرد و می‌بایست تعزیری تلقی شود، ضمن آن که صدور حکم اعدام تعزیری در تمامی موارد با موانع فقهی مواجه است. هدف از این پژوهش، بررسی تحلیلی و انتقادی مبانی فقهی و حقوقی جرم افساد فی الارض به منظور نقد مواد قانونی مربوطه در قوانین ایران، که این جرم را حدی دانسته و مجازات اعدام برای آن تعیین کرده‌اند، می‌باشد. این پژوهش با هدف بررسی عمیق ابعاد فقهی و حقوقی فساد فی الارض، به دو پرسش کلیدی پاسخ خواهد داد: اول، آیا در مبانی فقهی، افساد فی الارض جرم مستقلی است و تعریف جامع و مانعی دارد یا خیر و دلایل استقلال و عدم استقلال آن کدامند؟ دوم، آیا این جرم از نوع حدی است یا تعزیری و در صورت تعزیری بودن، آیا در تمامی مصادیق آن امکان مجازات سلب حیات وجود دارد؟ بدیهی است که نوآوری تحقیق حاضر در اثبات عدم استقلال و تعزیری بودن جرم افساد فی الارض و نقد مجازات اعدام در تمامی مصادیق آن براساس مبانی فقهی و اصول حقوقی، با ارائه راهکارهای اصلاحی جهت تطابق قوانین کیفری با فقه شیعه و استانداردهای حقوق بشری است.

۱- مفهوم افساد فی الارض

در زبان عربی، «فساد» به معنای نقیض صلاح و ضدصلاح مورد استفاده قرار می‌گیرد (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۳۱/۷؛ جوهری، ۱۴۱۰: ۵۱۹/۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۸/۵). برخی آن را به

معنای خروج شیء از حالت اعتدال نیز می‌دانند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶). علاوه بر این «فسد» و «فساد» به معنی زوال صورت از ماده (خوری شرتونی لبنانی، ۱۳۷۴: ۱۶۳/۴) بطلان و اضمحلال (زبیدی، ۱۴۱۴: ۱۶۴/۵) لهو و لعب (خوری شرتونی لبنانی، ۱۳۷۴: ۱۶۳/۴)، قحط و خشکی (طریحی، ۱۳۷۵: ۱۲۱/۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۹/۵) به کار رفته است که همگی در نهایت به معنای نخست (ضدصلاح) مرتبط می‌شوند. راغب در کتاب خود می‌نویسد: «الفساد خروج الشیء عن الاعتدال، قلیلاً کان الخروج عنه أو کثیراً و یضاده الصلاح و یستعمل ذلک فی النفس و البدن و الاشیاء الخارجة عن الاستقامه» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶).

به‌طور کلی، می‌توان بیان کرد که در آثار فقهی فقه‌های قدیم، تعریفی برای فساد فی الارض ارائه نشده و تنها بعضی از فقیهان معاصر به تعریف آن پرداخته‌اند که با برخی اشکالات همراه است که در این مقاله به آن‌ها اشاره خواهد شد. به عبارت دیگر، در متون فقهی، افساد فی الارض به صورت مستقل به عنوان یک جرم خاص مطرح نشده و صرفاً به مصادیق آن اشاره شده است، از جمله این مصادیق می‌توان به مواردی چون دزدی کفن (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲۳۹/۹)، آتش زدن به منازل دیگران (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۱۶۲/۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳۵۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۱۳۵/۴۳) و اعتیاد به کشتن اهل ذمه (کلینی، ۱۳۸۸: ۳۱۰/۷؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۳۸۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۳۲۴؛ اردبیلی (محقق اردبیلی)، ۱۴۰۳: ۲۷/۱۳؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۵۷/۱۰) می‌توان اشاره کرد. از دیگر مصادیق تکرار محرمات (کلینی، ۱۳۸۸: ۱۷۱/۷) و آدم‌ربایی و آدم‌فروشی (حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۲؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۹۹/۲) هستند. محتال به شخصی اطلاق می‌شود که با ترفندهایی مانند نامه‌های دروغین قصد دارد اموال مردم را تصاحب کند (مفید، ۱۴۱۳: ۸۰۵) و قاچاقچیان مواد مخدر نیز مصداق دیگری از این نوع جرایم هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: کد سؤال ۶۴۸۴).

در این راستا، ابتدا مستندات فقهی فقها را در زمینه فساد فی الارض بیان خواهیم کرد و سپس به بررسی استقلال

سیره عملی قابل استنادی وجود ندارد، اما حکم مذکور به‌طور عقلایی قابل فهم است. در مواردی که شارع، حتی به‌طور کلی، با این حکم موافق باشد، عرف نیز از این توافق، اعتبار آن حکم را درک می‌کند (مؤمن قمی، ۱۳۸۲: ۵۱-۵۰). عده‌ای دیگر نیز به تشبیه این جرم به غده‌ای سرطانی پرداخته‌اند که امنیت و سلامت جامعه را به‌خطر می‌اندازد و در نتیجه، چاره‌ای جزء تخلیه و قطع آن وجود ندارد.

اما اشکالی که به این استدلال می‌توان وارد کرد، این است که آن‌چه امروز عرف و عقلای جامعه بر آن تمرکز دارند، توجه به کاهش یا حذف مجازات قتل به‌طور کلی است و برای این نوع مجازات هیچ نوع اثر بازدارندگی قائل نیستند. بنابراین استناد به چنین چیزی منطقی نیست. در این پژوهش، ما صرفاً به بررسی مستندات آیاتی، روایی و نظرات اکثر فقها بسنده کرده‌ایم.

اکنون ابتدا به نظرات فقها درباره استقلال یا عدم استقلال این جرم پرداخته و سپس به تحلیل ماهیت آن از دیدگاه ایشان می‌پردازیم.

۳- افسادفی الارض از منظر فقها

در میان فقها، نظرات متعددی در این مورد وجود دارد. برخی قائل به استقلال این جرم هستند، درحالی‌که برخی دیگر به عدم استقلال آن اشاره دارند.

۳-۱- استقلال جرم افسادفی الارض

براساس آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مائده، فقها و مفسران درخصوص رابطه میان محاربه و افسادفی الارض دیدگاه‌های متفاوتی دارند. برخی آن را از نوع عموم و خصوص مطلق می‌دانند، به این معنا که هر محاربه مفسدفی الارض نیز هست، زیرا محاربه به اخلال در نظم و امنیت جامعه منجر می‌شود و در نتیجه مصداقی از فساد در زمین است (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۳/۳۱۶؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۸: ۳۱۴/۸؛ فیض کاشانی، بی‌تا: ۴۳۸/۱). در مقابل، گروهی دیگر قائل به رابطه عموم و خصوص من‌وجه بوده و معتقدند این دو عنوان مستقل هستند؛ به این دلیل که افسادفی الارض به‌طور خاص به ظلم و تعدی به جان، مال، حقوق و ناموس مردم اشاره دارد و شامل گناهان کبیره‌ای مانند

و همچنین وضعیت حدی یا تعزیری بودن این جرم و مجازات آن، باتوجه به ادله موجود خواهیم پرداخت.

۲- مستندات فقهی افسادفی الارض

۲-۱- آیات

قرآن کریم در آیات متعددی، به‌ویژه در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مائده، به مفهوم افسادفی الارض اشاره دارد. آیه ۳۲ مائده بیان می‌کند که قتل نفسی که نه برای قصاص و نه در ازای فساد در زمین باشد، معادل کشتن تمامی انسان‌هاست و زنده کردن یک نفس مانند زنده کردن همه انسان‌هاست (مائده/۳۲). مفسران معتقدند این مفهوم فراتر از بنی‌اسرائیل بوده و شامل همه انسان‌ها و هر نوع فسادی می‌شود که در مقابل صلاح قرار گیرد (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۳۰/۲؛ بحرانی، ۱۴۱۷: ۲۷۵/۲؛ سزواری، ۱۴۰۴: ۱۱/۱۷۹). این آیه نشان می‌دهد که قتل مشروع تنها در دو مورد قصاص و افسادفی الارض مجاز است (اردبیلی، بی‌تا: ۶۶۶؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۶۳۹؛ مؤمن قمی، ۱۳۸۹: ۴۰۰). آیه ۳۳ سوره مائده نیز به مجازات کسانی که علیه خدا و پیامبر جنگیده و در زمین فساد می‌کنند، شامل اعدام، به دارآویختن، قطع دست و پای مخالف، یا تبعید اشاره دارد (مائده/۳۳).

۲-۲- روایات

در روایات نیز به جرم افسادفی الارض اشاره شده و در برخی شرایط حکم قتل نیز بیان گردیده است. به‌عنوان نمونه، از امام رضا (ع) در مورد آیه ۳۳ سوره مائده این سؤال مطرح شد که مجازات کسی که مرتکب جرایم مذکور در آیه می‌شود، چیست؟ امام (ع) پاسخ دادند: «زمانی که به محاربه با خدا و رسول بپردازد و در زمین فساد کند، اگر کسی را بکشد، باید کشته شود؛ اگر هم بکشد و مال را نیز بگیرد، از جمله مجازات‌ها هم کشته شدن و هم به صلیب کشیده شدن است، اما اگر مال مردم را بگیرد و کسی را نکشد، به تبعید محکوم می‌شود» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱۰/۱۳۳).

روایات مشابهی نیز از سایر ائمه (ع) در این ارتباط نقل شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۲۸/۳۱۵-۳۱۱).

۲-۳- بناء عقلا

برخی بر این باورند که حکم قتل به‌خاطر افسادفی الارض عقلایی است و درخصوص این جرم اظهار دارند که هرچند

افسادفی‌الارض را جرمی مستقل و حدی دانست و باید به همان موارد خاص مذکور در روایات اکتفا کرد. این امر سؤالاتی را درخصوص چرایی مستقل و حدی دانستن این جرم توسط قانون‌گذار ایران مطرح می‌سازد که مستلزم بررسی ماهیت آن برای تعیین حدی یا تعزیری بودن و نحوه تعیین مجازات است.

۴- ماهیت کیفر افسادفی‌الارض

۴-۱- افسادفی‌الارض و حد

همان‌طور که اثبات شده، افسادفی‌الارض جرمی غیرمستقل است. حال، چه آن را صرفاً مصداقی از محاربه بدانیم یا شامل سایر جرایم مستوجب قتل، حدی دانستن افسادفی‌الارض با چالش‌هایی روبه‌روست: نخست، برخلاف جرایم حدی که تعریف و مجازاتشان توسط شارع مشخص شده، برای افسادفی‌الارض تعریف صریحی در آیات، روایات و نظرات فقها وجود ندارد؛ دوم، عدم استقلال این جرم مانع از تعیین مجازات حدی برای آن می‌شود، زیرا هرچند یک جرم حدی ممکن است مجازات مشخصی نداشته باشد، اما هر مجازات حدی نیازمند یک جرم مستقل و تعریف شده است؛ سوم، هیچ‌یک از فقها باب مستقلی تحت عنوان «حد افسادفی‌الارض» معرفی نکرده و آن را در زمره حدود شناخته‌شده (مانند زنا، لواط، سرقت و محاربه) قرار نداده‌اند (فاضل مقداد، ۱۴۲۵: ۳۳۸/۲؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۲۰/۹؛ محقق حلی، ۱۴۰۸: ۳۶/۴؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۵۷۳/۳-۵۲۱؛ حلبی، ۱۴۰۳: ۴۰۴؛ خوئی، ۱۴۲۲: ۲۰۳/۴۱)؛ چهارم، مصادیق افسادفی‌الارض در آیات و روایات، هم شامل جرایم مستوجب قتل و هم غیرقتل می‌شوند که بسیاری از آن‌ها حدی نبوده و مجازاتشان به دلیل ماهیت فسادانگیز جرم است، نه حدی بودن آن و به همین دلیل برخی فقها معتقدند که افسادفی‌الارض جرمی تعزیری و از گناهان کبیره است (حلبی، ۱۴۰۳: ۴۱۲؛ گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۳۱۹/۳).

۴-۲- افسادفی‌الارض و تعزیر

باتوجه به عدم وجود حد شرعی مشخص برای افسادفی‌الارض و مصادیق آن در متون فقهی، این جرم در رده جرایم تعزیری قرار می‌گیرد و مجازات آن تابع قواعد تعزیر است. این قواعد دو اصل اساسی دارند: اول، «التعزیر بما یراه الحاکم» که به حاکم اجازه می‌دهد مجازات را متناسب با جرم و برای حفظ

فواحش یا شرک که لزوماً موجب اخلال در امنیت عمومی نیستند، نمی‌شود (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۲۴۰؛ حبیب‌زاده، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۲).

۳-۲- عدم استقلال جرم افسادفی‌الارض

برخی از مفسران و فقها، با استناد به آیات قرآن (شعرا/۱۵۲؛ اعراف/۱۴۲؛ ص/۲۸؛ مائده/۴۱؛ بقره/۲۰۵؛ محمد/۲۲؛ مؤمنون/۷۱) و به‌خصوص آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مائده، معتقدند که محاربه و افسادفی‌الارض دو عنوان مجزا نیستند، بلکه جنبه تأکیدی دارند و مجموعاً به یک حقیقت واحد اشاره می‌کنند (طوسی، بی‌تا: ۱۸۶/۲؛ طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۸۸/۱۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳۵۹/۴). از دیدگاه این گروه، حکم قتل برمیانی «محاربه به‌خاطر فساد در زمین» است و نه صرف «فساد» به‌شکل کلی (امامی کاشانی، ۱۳۷۱: ۹۰؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۶۳۸؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۵۷۰/۴۱-۵۶۶). علاوه بر این، باتوجه به محدودیت قتل مشروع به دو مورد قصاص و افسادفی‌الارض در آیه، برخی دیگر از فقها تمامی عناوین مجرمانه مستوجب قتل را (مانند زنا با محارم و لواط) مصداق افسادفی‌الارض می‌دانند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۲: ۶۳۹؛ اردبیلی (محقق اردبیلی)، بی‌تا: ۶۶۶).

دلایل متعددی از متون فقهی و نظرات فقها وجود دارد که بر عدم استقلال این جرم تأکید می‌کند: نخست آن‌که، در کتب فقهی و روایی، فصل مستقلی تحت عنوان «جرم افسادفی‌الارض» وجود ندارد و تعاریف ارائه‌شده توسط برخی فقهای معاصر (مانند مکارم شیرازی و نوری همدانی) از این جرم نیز فاقد جامعیت و شفافیت لازم در تعیین معیارهایی مانند گستردگی، قصد، تکرار و عادت به جرم است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۷: ۶۳؛ زراعت، ۱۳۹۴: ۳۸۴)؛ دوم این‌که، بررسی مصادیق ذکرشده در روایات و متون فقهی برای افسادفی‌الارض، نه محدوده دقیقی برای آن تعیین می‌کند و نه ملاکی یگانه برای تعریف آن ارائه می‌دهد، زیرا در این مصادیق، اختلاف نظرهای فراوانی هم در ملاک‌ها (مانند تکرار جرم و نیت فرد) و هم در احکام میان فقها وجود دارد (نجفی، ۱۴۰۴: ۱۲۵/۴۳؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۹۹/۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲۳۹/۹). بنابراین از جهت احتیاط و تفسیر مضیق، نمی‌توان

دلیل اعراض فقها از عمل به این روایت، این استناد معتبر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۳۶).

۵-۱-۲- استدلال دوم

حامیان اعدام تعزیری همچنین به روایت دیگری استناد می‌کنند که ابوبصیر از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «پرسیدم حکم رباخوار که از حکم ربا آگاه است چیست؟ فرمود: تأدیب می‌شود، اگر دوباره ربا کند، [باز هم] تأدیب می‌شود؛ اگر مجدداً مرتکب شود، کشته می‌شود» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۷۱/۱۸).

اشکال اول به این روایت از نظر سندی است، زیرا ناقل آن، فردی به نام ابوجمیل است که این نام بین چند نفر مشترک است و همه آن‌ها دارای وصف مجهول یا ضعیف‌اند (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۷۶/۲۳). اشکال دوم این است که این روایت تنها به ربا اشاره می‌کند و حتی اگر از ضعف سندی آن چشم‌پوشی کنیم، به‌طور خاص فقط یک مصداق را شامل می‌شود که تعمیم‌پذیر نیست. به زبان دیگر، این روایت قاصرالدلاله است.

۵-۱-۳- استدلال سوم

اسحاق بن عمار روایت دیگری از امام صادق (ع) را نقل می‌کند که با روایات قبلی تناقض دارد. امام (ع) در هیچ مرحله‌ای حد یا قتل را جایز نمی‌شمارد و می‌گویند: «کسی که مردار، خون و گوشت خوک می‌خورد، باید تأدیب شود و اگر تکرار کند، باز هم تأدیب می‌شود و هرگز بر او حد جاری نمی‌شود». وقتی اسحاق می‌پرسد اگر برای بار سوم نیز تکرار کند، امام (ع) پاسخ می‌دهند: «باز هم تعزیر می‌شود و حدی جاری نمی‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۷۶/۲۳). مرحوم صدوق نیز همین روایت را نقل می‌کند که در آن به‌جای عبارت «و لَيْسَ عَلَيْهِمْ حُدٌّ»، عبارت «و لَيْسَ عَلَيْهِ قَتْلٌ» آمده است (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳: ۷۲/۴). آیت‌الله مکارم شیرازی هم بر این نکته تأکید می‌کند که براساس نظر صاحب مرآت العقول، این روایت نیز ضعیف است، اما در عین حال، این روایت صراحتاً بیان می‌کند که مرتکب جرایم تعزیری در هیچ مرحله‌ای کشته نمی‌شود. بنابراین ایشان بر این باورند که اعدام در صورت تکرار جرایم تعزیری مجاز نیست، مگر در مواردی که روایت خاص و معتبری وجود داشته باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

۵-۲- دلایل و شواهدی بر عدم جواز اعدام تعزیری

نظم تعیین کند (کریمی، ۱۳۶۵: ۱۷۲/۱)؛ دوم، «التعزیر بما دون الحد» که تأکید دارد مجازات تعزیری همیشه باید کمتر از مجازات‌های حدی باشد و از آن فراتر نرود (طوسی، ۱۴۰۷: ۴۹۷/۵؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۸۹: ۲۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۰؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۴۴۸/۴۱؛ جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۱۳۶/۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۳۶۷/۱۸-۳۶۳). بنابراین میزان و نوع مجازات تعزیری، اگرچه در اختیار حاکم است، اما نباید از سطح مجازات‌های حدی تجاوز کند.

۵- اعدام تعزیری از منظر فقه

پس از مشخص شدن تعریف و دامنه تعزیر از حیث فقه، دو سؤال به ذهن خطور می‌کند: نخست، آیا قانون‌گذار می‌تواند براساس قواعد فقه شیعه، مجازاتی که منجر به سلب حیات شود را در تعزیرات لحاظ کند؟ بر مبنای آنچه پیش‌تر گفته شد (جمع دو قاعده)، به‌طور قطع پاسخ ما منفی است؛ با این حال، شایسته است که این مقوله را با دقت بیشتری بررسی کنیم، زیرا در آرای فقها نمونه‌هایی وجود دارد که در صورت تکرار جرم تعزیری، حکم به قتل صادر شده است (نجفی، ۱۴۰۴: ۳۹۰/۴۱-۶۴۴)؛ پرسش دوم این است که باتوجه به این که افساد فی الارض را به‌عنوان تعزیر شناسایی می‌کنیم، آیا می‌توان حکم به قتل را در غیر از موارد مندرج در روایات صادر کرد؟ به نظر می‌رسد که به چندین دلیل می‌توان به هردو سؤال پاسخ منفی داد. به‌منظور تقویت دیدگاه ما، علاوه بر نقد و رد مستندات طرف مقابل (حامیان اعدام تعزیری)، شواهد دیگری نیز ارائه می‌شود.

۵-۱- نقد مستندات موافقین اعدام تعزیری

۵-۱-۱- استدلال اول

طرفداران اعدام تعزیری به روایت معتبری از امام کاظم (ع) استناد می‌کنند که در آن آمده است: «هر فردی که مرتکب گناه کبیره‌ای شود و دوبار بر او حد جاری شود، در مرتبه سوم به قتل می‌رسد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۹/۲۸). با این حال، آیت‌الله مکارم شیرازی به این استناد اشکالی وارد می‌کند و می‌گوید چنین رویه‌ای حتی در مورد مجازات‌های حدی نیز وجود ندارد، چه رسد به تعزیراتی که مجازات آن کمتر از حدود است. به

۵-۲-۱- استدلال اول

یکی از مهم‌ترین دلایل احتیاط در مورد اعدام‌های تعزیری، اصول و قواعد فقهی است، به‌ویژه باتوجه به اشکالاتی که به مستندات طرفداران این اقدام وارد می‌شود، لزوم احتیاط بیشتر احساس می‌شود. بنابراین برخی از این اصول و قواعد عبارتند از:

۱- قاعده احتیاط در دماء؛

۲- ابتناء حدود بر مسامحه (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۹۱/۹؛

۳- اصل محقون بودن دم یا عدم تعرض به دماء (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۴۵/۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۶۴/۳).

۴- اصل برائت در شبهات حکمیة.

یکی از مهم‌ترین دلایلی که در باب احتیاط در اعدام‌های تعزیری وجود دارد، قواعد و اصول فقهی می‌باشد، مخصوصاً باتوجه به اشکالاتی که بر مستندات موافقان وجود دارد، میزان این احتیاط باید بیش از پیش باشد، لذا برخی از مهم‌ترین این قواعد و اصول عبارتند از:

۱- قاعده احتیاط در دماء؛

۲- ابتناء حدود بر مسامحه (جبعی عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۱۰: ۹۱/۹؛

۳- اصل محقون بودن دم یا عدم تهجم بر دماء (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۷۷/۱؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۴۶۴/۳).

۴- اصل برائت در شبهات حکمیة.

۵-۲-۲- استدلال دوم

سیره مسلمین به‌عنوان یکی از مستندات فقهی، نشان‌دهنده عدم جواز اعدام‌های تعزیری است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۳: ۱۳۷). بنابراین این مسأله که چنین رویه و روشی در میان مسلمانان متداول نبوده و چگونه وضعیت کنونی در تضاد با آن است، بسیار حائز اهمیت و قابل تأمل می‌باشد.

۵-۲-۳- استدلال سوم

باوجود این‌که آیه ۳۲ سوره مائده مجازات قتل را برای افسادفی‌الارض ذکر می‌کند، اما این آیه تنها دو مورد قصاص و افسادفی‌الارض را مجوز شرعی قتل می‌داند و روایات نیز مصادیقی برای افسادفی‌الارض برشمرده‌اند که مجازاتشان قتل نیست، مانند قطع دست برای فروش انسان آزاد (حلی، ۱۴۰۳: ۴۱۲) یا دزدی کفن در صورت تکرار (علامه حلی، ۱۴۱۳: ۲۳۹/۹؛ ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۵۱۲/۳). این نشان می‌دهد که مجازات مفسدفی‌الارض تنها سلب حیات نیست و شامل موارد دیگر نیز می‌شود که این امر به انحصار آیه ۳۲ در موارد قتل صحه می‌گذارد. بنابراین باتوجه به صراحت شارع در محدودکردن موارد قتل به آیات و روایات مشخص، قانون‌گذار مبنای فقهی برای صدور حکم اعدام در موارد غیر مذکور در روایات برای جرم افسادفی‌الارض ندارد.

۶- افسادفی‌الارض در قوانین ایران

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی از جرایم به‌عنوان افسادفی‌الارض شناخته شدند. جالب این است که باوجود عدم وجود تعریفی دقیق، قانون‌گذار در قوانین متعدد کیفری به جرم‌انگاری افسادفی‌الارض پرداخته است. به‌عنوان مثال، می‌توان به «قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷»، «ماده ۲۸۶ و ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲»، «قانون مبارزه با قاچاق مواد مخدر»، «قانون مجازات عبوردهندگان از مرز»، «قانون مجازات فعالیت‌کنندگان در امور سمعی بصری»، «قانون تشدید مجازات محتکران و گران‌فروشان»، «قانون تشدید مجازات جاعلین اسکناس» و «قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور» اشاره کرد.

قوانین کیفری ایران درخصوص این جرم با چالش‌هایی مواجه است. به‌عنوان مثال، ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ دارای شرایط و تعریف روشن‌تری برای جرم افسادفی‌الارض نسبت به برخی دیگر از قوانین است. براساس این ماده، شرایطی نظیر گستردگی، نتایج، وجود قصد، خسارت و ایجاد ناامنی به‌عنوان عواملی که محدوده افسادفی‌الارض را مشخص می‌کنند، اعلام شده است. با این حال، این ماده دارای مشکلاتی است: نخست، در این ماده واژه‌های مبهمی وجود

و ناموس، بنیان آزادی و امنیت واقعی را می‌نهد. در این میان، عاملان ناامن‌کننده و مفسدین، دقیقاً بر همین حقوق بنیادین بشری لطمه وارد می‌سازند. از همین رو، شریعت مقدس با تعیین مجازات برای این افراد، در پی دفاع از حقوق بشر است. این دیدگاه با ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق سیاسی و مدنی نیز همخوانی دارد که حق زندگی را ذاتی انسان دانسته و بر لزوم حمایت قانونی از آن تأکید می‌کند: «هیچ فردی نمی‌تواند به‌طور خودسرانه از زندگی محروم شود ...». بنابراین جرم‌انگاری محاربه و افسادفی‌الارض نه تنها در تضاد با حقوق بشر نیست، بلکه در راستای آن قرار می‌گیرد. انتقادات بیشتر، متوجه مجازات اعدام و شرایط تحقق آن در قانون مجازات اسلامی برای این دو جرم است که برخی آن را مغایر با اصول حقوق بشری می‌دانند.

به بیان دیگر، با در نظر گرفتن مبانی و مقررات شریعت اسلام، این مجازات‌ها با هدف پاسداری از حقوق بشر در برابر تجاوزات و تعدی‌ها طراحی شده‌اند و نمی‌توان آن‌ها را تضييع‌کننده حقوق بشری قلمداد کرد، زیرا قانون‌گذار با تعیین مجازات برای مفسدین فی‌الارض که با سلاح به جان، مال و ناموس مردم حمله می‌کنند، به‌نوعی از حقوق جسمانی، اموال و نظم عمومی دفاع می‌نماید. مقوله نظم عمومی که خود ریشه در حقوق بشر دارد، با اجرای مجازات‌های محارب و مفسدفی‌الارض تأمین می‌شود و این مجازات‌ها به حفظ نظم و ثبات اجتماعی کمک شایانی می‌کنند. به‌عنوان مثال، ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی یکی از شرایط لازم برای اثبات جرم افساد را، برهم زدن و ایجاد اختلال شدید در نظم عمومی می‌داند.

همچنین اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۵ تأکید دارد که «هیچ‌کس نباید مورد شکنجه، بی‌رحمی، آزار یا مجازات‌های غیرانسانی قرار گیرد» و در ماده ۹ نیز تصریح شده است: «هیچ فردی نمی‌تواند به‌طور خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید شود». افزون بر این، ماده ۱۰ نیز بیان می‌دارد: «هیچ فردی نمی‌تواند مجازات شود، مگر براساس قانونی که قبلاً به تصویب رسیده باشد.» با ملاحظه این مواد، آشکار می‌شود که آن‌ها با اصل مجازات مجرم مخالفتی ندارند و هیچ‌گونه مجازاتی را به‌طور کلی نفی نمی‌کنند، بلکه اجرای مجازات را در چهارچوب قانون مجاز

دارد که افسادفی‌الارض را به یک حوزه ذهنی کاهش می‌دهد، نظیر «گسترده»، «اخلال شدید»، «خسارت عمده» و «اشاعه فحشا در حد وسیع»، این واژه‌ها به‌راحتی قابل تفسیر هستند، اما به‌نظر می‌رسد که قانون‌گذار معیاری مشخص برای ارزیابی شدت اختلال، عمدگی خسارت یا میزان اشاعه فحشا تعیین نکرده است. از این‌رو قضاوت در مواردی مانند این، به تشخیص قاضی واگذار می‌شود که می‌تواند منجر به تفسیرهای شخصی و سلیقه‌ای گردد. این نوع قانون‌گذاری به‌لحاظ اصول قانونی به‌ویژه اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات، پذیرش‌پذیر نیست، زیرا باید عبارات حقوقی روشن و بدون ابهام باشند. در این شرایط، ممکن است یک قاضی با دیدگاه خاص خود، عمل مجرمانه‌ای را تحت عنوان گسترده‌ای قرار دهد، درحالی‌که قاضی دیگر نظرات متفاوتی داشته باشد؛ دومین اشکال این است که چگونه قانون‌گذار به افسادفی‌الارض به‌عنوان جرمی مستقل نگاه می‌کند و حکم اعدام را برای آن تعیین کرده است، درحالی‌که براساس مبانی فقهی، افسادفی‌الارض به‌عنوان جرمی غیرمستقل و تعزیری تلقی می‌شود. صدور حکم اعدام برای مفسدفی‌الارض در مواردی به جزء موارد ذکر شده در روایات، با توجه به دلایل بیان شده، خلاف اصول فقهی است.

درنهایت، می‌توان گفت ایراداتی مشابه به قوانین دیگر که حکم اعدام برای مفسدفی‌الارض تعیین کرده‌اند، وجود دارد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که لازم است در مواد مرتبط با جرم افسادفی‌الارض تجدید نظری صورت گیرد تا تطابق قوانین کیفری با مبانی فقه شیعی محقق شود.

۷- افسادفی‌الارض در قوانین بین‌الملل

همان‌طور که اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۳ بر حق هر فرد به زندگی، آزادی و امنیت شخصی تأکید می‌ورزد، این تنها بخشی از حقوق بنیادین انسانی است که نقض آن، به‌منزله خدشه به هویت و هستی انسان تلقی می‌شود. با این حال، از آنجا که این اعلامیه فاقد ضمانت اجرایی صریح است، می‌توان استدلال کرد که وضع قوانین مرتبط، خود به‌مثابه تضمین عملی این حقوق عمل می‌کند. در واقع، وضع قوانینی که مانع از تهدید امنیت افراد شوند، اساساً به حفظ امنیت و آزادی فردی کمک می‌کند، زیرا نبود ترس و هراس از تعرض به جان، مال

بیانگر درک عمیق‌تر جامعه بین‌المللی از ماهیت فراگیر و غیرقابل تفکیک تروریسم است که امنیت همه افراد، بی‌هیچ تمایزی از موقعیت شغلی یا سیاسی، را به چالش می‌کشد.

در کنار مبارزه با گروگان‌گیری، حملات به هواپیماها نیز از جمله چالش‌های بزرگی بود که مستلزم واکنش بین‌المللی فوری بود. توافق‌نامه توکیو در سال ۱۹۶۹، توافق‌نامه لاهه در سال ۱۹۷۰ و توافق‌نامه مونترال در سال ۱۹۸۷ از جمله اسناد کلیدی هستند که با هدف مقابله با هواپیما‌رایی به تصویب رسیدند. این توافق‌نامه‌ها، با جرم‌انگاری اعمالی نظیر تصرف غیرقانونی هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هوانوردی، چهارچوبی قانونی برای پیگرد مجرمان فراهم آوردند. شایان ذکر است که دولت ایران نیز در تاریخ ۱۳۴۹/۰۲/۰۴، بدون این‌که به «اتفاقیه بین‌المللی سرکوب تصرف غیرقانونی هواپیما» مصوب ۱۶ دسامبر ۱۹۷۰ ملحق شود، قانون «اخلال‌کنندگان در امنیت پرواز هواپیما و خرابکاری در وسایل و تأسیسات هواپیما» را به تصویب رساند که از لحاظ محتوایی شباهت چشم‌گیری با آن اتفاقیه داشت. این اقدام، عزم ملی ایران را در هم‌سویی با تلاش‌های بین‌المللی برای مقابله با این پدیده به نمایش می‌گذارد.

زدی دریایی نیز به‌عنوان یکی دیگر از تهدیدات جدی برای امنیت بین‌المللی، واکنش قاطع جامعه جهانی را در پی داشته است. تفاهم‌نامه سرکوب اعمال غیرقانونی علیه امنیت ناوبری دریایی در سال ۱۹۸۸ و پروتکل الحاقی آن در سال ۲۰۰۵، به جرم‌انگاری اعمال مجرمانه در این زمینه می‌پردازند. این تفاهم‌نامه زمانی قابل اجراست که کشتی در آب‌های داخلی یا در آب‌هایی خارج از مرز خارجی آب‌های منطقه‌ای یک دولت قرار گرفته باشد. افزون بر این، پروتکل سرکوب اعمال غیرقانونی علیه امنیت سیستم‌عامل‌های ثابت موجود در فلات قاره‌ها در سال ۱۹۸۸، با اعمال تغییراتی در تفاهم‌نامه اعمال غیرقانونی ضدامنیت ناوبری دریایی، به مقابله با تهدیدات علیه تأسیسات ثابت در فلات قاره‌ها می‌پردازد (کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای، ۲۰۰۵: ۱). در پی این تلاش‌های بین‌المللی هماهنگ، دولت ایران نیز در تاریخ ۱۳۸۷/۰۹/۱۳، قانون «الحاق دولت جمهوری اسلامی

می‌داند و مجازات‌های ظالمانه و خودسرانه را مغایر با حقوق بشر می‌شمارند. همچنین اعمال مجازات‌های سخت‌تر از آن‌چه در زمان ارتکاب جرم مشخص شده را منع می‌کنند. این درحالی است که مجازات محارب و مفسد، فراتر از آن‌چه در زمان ارتکاب جرم تعیین شده نیست و در واقع عین عدالت محسوب می‌شود، چراکه برای ظالمانه‌تلقی شدن یک مجازات، باید عدم تناسب آشکاری میان جرم و مجازات وجود داشته باشد. از سوی دیگر، تعیین مجازات برای مجرم، به‌خودی‌خود، تجلی عدالت است (رورده و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵۳).

این دیدگاه‌ها و تلاش‌های داخلی برای حفظ امنیت و حقوق شهروندان، به‌طور مستقیم با تلاش‌های گسترده‌تر بین‌المللی برای مقابله با تروریسم و جرایم سازمان‌یافته در هم تنیده است. در دهه‌های اخیر، شاهد افزایش چشم‌گیر عملیات‌های آدم‌ربایی و گروگان‌گیری بودیم که جامعه جهانی را بر آن داشت تا با رویکردی چندجانبه، به مصاف این معضل برود. این تلاش‌ها عمدتاً از رهگذر عقد توافق‌نامه‌های بین‌المللی به ثمر نشست. در ابتدا، این توافق‌نامه‌ها، افراد ربوده‌شده را به دو گروه اصلی تقسیم می‌کردند: گروه نخست شامل کارکنان دولتی، دیپلمات‌ها و سایر افراد برخوردار از مصونیت یا حفاظت بین‌المللی بود، برای حراست از این گروه، اسنادی چون توافق‌نامه سازمان کشورهای آمریکایی (۱۹۷۱)، توافق‌نامه نیویورک (۱۹۷۱)، توافق‌نامه اروپایی سرکوب تروریسم (۱۹۷۷) و توافق‌نامه مبارزه با تروریسم (۱۹۹۸) به تصویب رسیدند. هدف اصلی این اسناد، جرم‌انگاری و سرکوب اعمال مجرمانه علیه این اشخاص خاص بود، اما با گذشت زمان و تکامل اقدامات تروریستی، دامنه تهدیدات از افراد دارای مصونیت فراتر رفت و افراد عادی را نیز دربر گرفت. تروریست‌ها با هدف اعمال فشار بر دولت‌ها یا دستیابی به اهداف خاص، از این افراد به‌عنوان گروگان استفاده می‌کردند. این تغییر ماهیت، نیاز به توافق‌نامه‌هایی که صراحتاً به مخالفت با ربودن و بازداشت گروگان‌ها بپردازند را بیش از پیش نمایان ساخت. در این بستر، توافق‌نامه بین‌المللی مخالفت با گروگان‌گیری در سال ۱۹۷۹، توافق‌نامه اروپایی سال ۱۹۷۷ (ماده ۱ بند دال) و توافق‌نامه عربی مبارزه با تروریسم (۱۹۹۸، ماده ۱، بند ۳) نمونه‌های بارزی از این رویکرد جدید هستند. این توسعه در حوزه حفاظت،

برقرار ساخت (کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای، ۲۰۰۵: ۱).

فراتر از این، مقابله با تهدید سلاح‌های کشتار جمعی (شیمیایی، بیولوژیکی و هسته‌ای) نیز در دستور کار جامعه بین‌المللی قرار گرفته است. پروتکل ژنو (۱۹۲۵)، استفاده جنگی از گازهای خفه‌کننده یا سمی و عوامل باکتریولوژیکی را ممنوع اعلام کرد. توافق‌نامه ممنوعیت توسعه، تولید و ذخیره‌سازی سلاح‌های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و سلاح‌های تکسینی و تخریب آن‌ها که در سال ۱۹۷۲ به امضا رسید، توسعه، تولید و ذخیره‌سازی این سلاح‌ها را به‌طور کامل منع می‌کند (الزهرانی، ۲۰۱۴: ۱۴۲). به همین منوال، توافق‌نامه ممنوعیت توسعه، تولید و ذخیره‌سازی سلاح‌های شیمیایی و تخریب آن‌ها که در سال ۱۹۹۷ منعقد شد، دولت‌های عضو را ملزم به خودداری از توسعه، تولید، دستیابی، ذخیره‌سازی و استفاده از سلاح‌های شیمیایی و نیز نابودی ذخایر موجود می‌کند (کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی، ۱۹۹۲: ۱).

در زمینه سلاح‌های هسته‌ای، رأی شماره ۱۵۴۰ شورای امنیت سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۴ با هدف ممانعت از اشاعه سلاح‌های شیمیایی، هسته‌ای، بیولوژیکی و رادیولوژیکی و همچنین ممنوعیت استفاده و تجارت آن‌ها و جلوگیری از مشارکت سازمان‌های غیردولتی در فعالیت‌های اشاعه‌گرانه این سلاح‌ها، صادر شد (الزهرانی، ۲۰۱۴: ۱۴۳). پیمان عدم گسترش سلاح اتمی که در سال ۱۹۶۷ آغاز و توسط ۱۸۷ کشور به امضا رسید، یکی از مهم‌ترین اقدامات سازمان ملل متحد برای کاهش اشاعه سلاح‌های هسته‌ای است، علاوه بر این، تفاهم‌نامه بین‌المللی حفاظت فیزیکی مواد اتمی سال ۱۹۸۰، مقررات خود را بر مواد اتمی مورد استفاده در اهداف صلح‌آمیز، هم در حین انتقال بین‌المللی و هم در انتقال داخلی، اعمال می‌کند و گامی اولیه به‌سوی جرم‌انگاری اعمال تروریستی اتمی به‌شمار می‌رود. درنهایت، توافق‌نامه بین‌المللی سرکوب اعمال تروریستی اتمی که سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ به تصویب رساند، تروریسم هسته‌ای را جرم می‌شناسد و بر تقویت همکاری‌های پلیسی و قضایی برای پیشگیری، تحقیق و مجازات این اعمال تأکید دارد. این توافق‌نامه که تا

ایران به کنوانسیون مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی و پروتکل پیوست آن درخصوص مقابله با اعمال غیرقانونی علیه ایمنی ثابت واقع در فلات قاره» را به تصویب رساند. علاوه بر این، ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی نیز امروزه راهزنی را جرم تلقی می‌کند که این امر، همگامی قوانین داخلی ایران با تعهدات بین‌المللی در عرصه مبارزه با جرایم سازمان‌یافته دریایی را به‌وضوح نشان می‌دهد.

با افزایش روزافزون تهدید تروریسم، جامعه جهانی یک تلاش گسترده را برای مهار این پدیده و مجازات عاملان آن آغاز کرده است. یکی از پیشگامان این مسیر، توافق‌نامه ژنو برای پیشگیری و مجازات تروریسم در سال ۱۹۳۷ بود. این سند، ترور را به‌عنوان «هرگونه عمل عامدانه منجر به مرگ، آسیب جسمی یا سلب آزادی روسای دولت‌ها، کارکنان و وارثان آن‌ها، همسرانشان یا اشخاص دارای مسؤولیت‌های عمومی، با هدف قراردادن ویژگی‌های خاص موقعیت آن‌ها» تعریف کرد (محمد، ۲۰۰۵: ۲۲۶). در ادامه این راه، اسناد بین‌المللی متعددی برای مقابله با تروریسم و کنترل مواد منفجره به تصویب رسیدند. برای مثال، توافق‌نامه کنوانسیون جهانی پستی سال ۱۹۷۶ (ماده ۱۳، فصل اول)، کشورهای عضو را متعهد به اتخاذ تدابیر لازم برای جلوگیری و پیگرد قانونی واردکردن مواد منفجره و قابل اشتعال از طریق خدمات پستی می‌کند. به همین ترتیب، توافق‌نامه اروپایی منع و سرکوب تروریسم در سال ۱۹۷۷، استفاده از وسایل انفجاری مانند ترقه‌ها، بمب‌ها، مواد منفجره و نامه‌های بمب‌گذاری شده را جرم‌انگاری کرده است. با هدف کنترل و محدودکردن استفاده از مواد منفجره پلاستیکی غیرقابل شناسایی که کشف آن‌ها دشوار است، توافق‌نامه جداسازی مواد منفجره پلاستیکی برای شناسایی آن در سال ۱۹۹۱ تدوین شد. این توافق‌نامه، طرفین را به ممنوعیت تولید و انتقال این مواد و نابودی ذخایر موجود ملزم می‌کند. درنهایت، توافق‌نامه بین‌المللی سرکوب حملات تروریستی با بمب‌ها در سال ۱۹۹۷، یک سیستم صلاحیت جهانی برای استفاده غیرقانونی و عمدی از مواد منفجره و سایر دستگاه‌های کشنده در اماکن عمومی، با هدف کشتن افراد، واردآوردن آسیب جسمی خطرناک یا ایجاد تخریب گسترده،

حدود، دارای تعریفی صریح، مصادیق روشن و مجازات ثابت و مشخصی باشد.

باتوجه به دلایل فوق و تصریح برخی فقها، افساد فی الارض باید به‌عنوان جرمی تعزیری تلقی شود و مجازات آن باید براساس قواعد تعزیر تعیین گردد. باتوجه به رد مستندات طرفداران اعدام تعزیری و وجود قواعد مسلم فقهی درباره احتیاط در قتل، اصل برائت و سیره مسلمین مبنی بر عدم جواز اعدام تعزیری، این نوع مجازات مطابق با مبانی فقهی نیست، مگر در موارد خاص که به‌طور مشخص از سوی شارع بیان شده باشد. در موضوع افساد فی الارض و مجازات آن، باتوجه به این که این جرم از زمره جرایم تعزیری به حساب می‌آید و از طرفی براساس آیه ۳۲ مائده مجازات آن قتل است و همچنین روایات به شمارش مجازات‌های دیگری مانند قطع نیز پرداخته‌اند، می‌توان با استناد به ادله آیه‌ای، روایی و قواعد احتیاط نتیجه گرفت که مجازات قتل برای مفسد فی الارض منحصر به موارد ذکر شده در روایات است. در غیر این صورت، حاکم باید احتیاط کرده و مجازاتی غیر از قتل را اعمال کند. نحوه قانون‌گذاری فعلی که افساد فی الارض را در مواد قانونی متعدد به‌عنوان جرم مستقل و حدی در نظر گرفته و برای تمامی مصادیق آن مجازات اعدام تعیین کرده است، نوعی تخطی از اصول فقه محسوب می‌شود. در همین راستا، ضروری است قانون‌گذار در مواد مرتبط با جرم افساد فی الارض تجدید نظر کند تا تطابق قوانین کیفری با مبانی فقه شیعی و همچنین اصول حقوقی و بین‌المللی محقق شود. همان‌طور که در قوانین بین‌الملل شاهد رویکردی هماهنگ و تعریف‌شده برای مقابله با جرایمی نظیر تروریسم، آدم‌ربایی، دزدی دریایی و حملات به هواپیماها هستیم و با وجود تأکید بر حق زندگی و امنیت در اسناد بین‌المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، جرم‌انگاری و تعیین مجازات برای اعمالی که امنیت و نظم عمومی را به خطر می‌اندازند، مغایر با حقوق بشر تلقی نمی‌شود، بلکه در راستای آن است. این اسناد بر قانونی‌بودن مجازات و تناسب جرم و مجازات تأکید دارند و مجازات‌های ظالمانه و خودسرانه را مردود می‌دانند. با الهام از این رویکرد، قوانین داخلی ایران نیز می‌توانند با تعریف دقیق‌تر مصادیق افساد فی الارض و تعیین مجازات‌های متناسب‌تر و تدریجی (به

دسامبر ۲۰۱۴ توسط ۱۱۵ کشور امضا و ۹۹ دولت به آن پیوسته‌اند، مجرمان را به استرداد یا محاکمه ملزم می‌کند و کشورها را به همکاری در پیشگیری از حملات تروریستی از طریق تبادل اطلاعات و کمک در تحقیقات جنایی و فرآیند استرداد، تشویق می‌کند. توافق‌نامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۷ دسامبر ۲۰۰۳ نیز بر ضرورت جهانی‌سازی از سلاح‌های هسته‌ای و اهمیت خلع سلاح برای حفظ صلح و ثبات جهانی تأکید دارد. این پیمان‌ها، به‌طور بنیادین، در حفظ امنیت و صلح بین‌المللی نقش حیاتی ایفا کرده‌اند (زمیزم، ۱۳۹۶: ۴۵-۲۱). این مجموعه از قوانین و توافق‌نامه‌های بین‌المللی، اراده راسخ جامعه جهانی را برای مقابله با اشکال گوناگون تروریسم و جرایم سازمان‌یافته، به‌وضوح نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

طبق آیه ۳۲ سوره مائده، قتل مشروع تنها به دو مورد قصاص و افساد فی الارض محدود شده است، بنابراین مجازات مفسد فی الارض طبق این آیه، قتل است. با این حال، شواهد متعددی نشان می‌دهد که افساد فی الارض نباید به‌عنوان یک جرم مستقل حدی شناخته شود.

۱- تفسیر فقها و مفسران: در تفسیر آیه ۳۲ مائده، اکثر فقها و مفسران به عدم استقلال این جرم اشاره کرده‌اند. برخی از آن‌ها با استناد به آیه بعدی، مصداق افساد فی الارض را به موارد محاربه اختصاص می‌دهند و برخی دیگر تمام موارد مستوجب قتل در شرع را مصداق این جرم می‌دانند تا هم انحصار آیه حفظ شود و هم سایر قتل‌ها مجوز شرعی داشته باشند. این اختلاف نظر، خود نشان‌دهنده عدم وجود یک اجماع بر استقلال و حدی‌بودن این جرم است.

۲- فقدان ساختار فقهی مستقل: عدم وجود باب مستقل برای افساد فی الارض در کتب فقهی، نبود تعریف و تحدید مشخص برای این جرم و همچنین فقدان ملاک واحد در روایات و کتب فقهی برای تعیین محدوده آن، همگی نشان‌دهنده عدم استقلال و تعزیری‌بودن آن است. درحقیقت، اگر افساد فی الارض جرمی حدی بود، انتظار می‌رفت که در فقه شیعه، مانند سایر

- اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد (۱۴۰۳). *مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الازدهان*. جلد سیزدهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد (بی‌تا). *زبده البیان فی براهین احکام القرآن*. تهران: مکتبه المرتضویه.

- الزهرانی، عادل (۲۰۱۴). *مخاطر حصول الجماعات المتشدده علی الاسلحه الکیمیائیه وسبل مجابتهها*. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، ریاض: دانشگاه نایف العربیه للعلوم الامنیه.

- امامی کاشانی، محمد (۱۳۷۱). *نقد و بررسی نظریات فقهی شورای نگهبان*. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۷). *البرهان فی تفسیر القرآن*. جلد دوم، قم: دارالتفسیر.

- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین (۱۴۱۰). *الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه*. جلد نهم، قم: انتشارات دآوری.

- جوهری، اسماعیل (۱۴۱۰). *الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیه*. جلد دوم، بیروت: دارالعلم للملایین.

- حبیب‌زاده، محمدجعفر (۱۳۷۹). *محاربه در حقوق کیفری ایران*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

- حر عاملی، محمد (۱۴۰۹). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد هجدهم و بیست‌وهشتم، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).

- حلبی، ابوالصلاح (۱۴۰۳). *الکافی فی الفقه*. اصفهان: کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین (ع).

- حلی (علامه حلی)، حسن (۱۴۱۳). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. جلد نهم، قم: دفتر انتشارات وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- حلی (علامه حلی)، حسن (۱۴۱۳). *مختلف الشیعه فی احکام الشریعه*. جلد سوم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- حلی، ابوالقاسم نجم‌الدین جعفر (۱۴۰۸). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، قم: انتشارات اسماعیلیان.

جای انحصار در اعدام) برای هریک از این مصادیق، از ابهامات و تفاسیر سلیقه‌ای بکاهند. این امر نه تنها به افزایش شفافیت در نظام قضایی کمک می‌کند، بلکه به حفظ عدالت و رعایت حقوق متهمان نیز منجر می‌شود و در نهایت، به تقویت وجهه حقوقی ایران در سطح بین‌المللی کمک خواهد کرد. وضع معیارهای کمی و کیفی مشخص برای تعیین شدت اخلال، عمده‌بودن خسارت یا میزان اشاعه فحشا، می‌تواند به قضات در صدور احکام عادلانه‌تر یاری رساند. این بازنگری، یک گام مهم در جهت تطبیق قوانین داخلی با مبانی عمیق فقه شیعی و هماهنگی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر خواهد بود.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهام نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.

- ابن ادریس حلی، محمد (۱۴۱۰). *السرائر لحاوی لتحریر الفتاوی*. جلد سوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ابن بابویه (شیخ صدوق)، ابوجعفر محمد (۱۴۱۳). *من لایحضره الفقیه*. جلد چهارم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- ابن منظور، ابی‌الفضل جمال‌الدین محمد (۱۴۱۴). *لسان العرب*. جلد پنجم، بیروت: دار صادر.

- خوری شرتونی لبنانی، سعید (۱۳۷۴). *اقراب الموارد فی فصح العربیه و الشوارد*. جلد چهارم، تهران: منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریه، دارالأسوه للطباعه و النشر.
- خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۲۲). *مبانی تکمله المنهاج*. جلد چهل و یکم، قم: مؤسسه احیاء آثار الإمام الخوئی (ره).
- راغب اصفهانی، محمد (۱۴۱۲). *مفردات فی الفاظ القرآن*. بیروت: دارالعلم - دارالشامیه.
- رورده، حلیمه؛ محسنی دهکلاتی، محمد و روحانی مقدم، محمد (۱۳۹۸). «نسبت میان جرم انگاری دو عنوان محاربه و افساد فی الارض با حقوق بشر». *فصلنامه حقوق پزشکی*، ۱۳ (ویژه‌نامه حقوق بشر و حقوق شهروندی): ۱۵۳-۱۶۹.
- زبیدی، سیدمحمد مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس من جواهر القاموس*. جلد پنجم، تهران: نشر دارالفکر.
- زراعت، عباس (۱۳۹۴). *شرح مختصر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲*. تهران: انتشارات ققنوس.
- زمیزم، سهیرحمید (۱۳۹۶). *بررسی تروریسم در نظام حقوقی ایران و عراق با نگاهی به اسناد بین‌المللی*. پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد، نام استاد راهنما حسام قپانچی، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۹). *تقریرات درس خارج فقه*. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه.
- سبزواری، سیدعبدالأعلی (۱۴۰۴). *موهب الرحمان فی تفسیر القرآن*. جلد یازدهم، قم: دارالمنار.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۸). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. جلد هشتم، تهران: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴). *المیزان*. جلد دهم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین و مطلع النیرین*. جلد سوم، تهران: مکتب المرتضویه.
- طوسی، محمد (۱۴۰۷). *الخلاف*. جلد پنجم و دهم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طوسی، محمد (بی‌تا). *التبیان فی تفسیر القرآن*. جلد دوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۲). *تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله (باب حدود)*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).
- فاضل مقداد، مقداد (۱۴۲۵). *کنز العرفان فی فقه القرآن*. جلد دوم، قم: انتشارات مرتضوی.
- فراهیدی، خلیل (۱۴۱۰). *العین*. جلد هفتم، قم: نشر هجرت.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵). *الصادق فی تفسیر القرآن*. جلد دوم، تهران: مکتبه الصدر.
- فیض کاشانی، ملامحسن (بی‌تا). *مفاتیح الشرایع*. جلد اول، قم: انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- کریمی، حسین (۱۳۶۵). *موازین قضایی از دیدگاه امام خمینی*. جلد اول، تهران: انتشارات شکوری.
- کلینی، محمد (۱۳۸۸). *الکافی*. جلد هفتم، تهران: دارالکتب.
- کنوانسیون بین‌المللی برای سرکوب اعمال تروریسم هسته‌ای (۲۰۰۵). *سایت رسمی سازمان ملل متحد*، قابل دسترسی در: <https://www.un.org>.
- کنوانسیون منع استفاده از سلاح‌های شیمیایی (۱۹۹۲). *سایت رسمی به سازمان منع سلاح‌های شیمیایی*، قابل دسترسی در: <https://www.icrc.org>.
- گلپایگانی، محمدرضا (۱۴۱۲). *الدر المنضود فی احکام الحدود*. جلد اول و سوم، قم: دارالقرآن الکریم.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴). *مرآه العقول فی شرح اخبار آل الرسول*. جلد بیست و سوم، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- محمد، هیثم عبدالسلام (۲۰۰۵). *مفهوم الارهاب فی الشریعه الاسلامیه*. بیروت: دارالکتب العالمیه.

- مفید، محمد (۱۴۱۳). /المقنعه. قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید (رحمه‌الله علیه).
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. جلد چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامی.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳). تعزیر و گستره آن. تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان‌نژاد دامغانی، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع).
- مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۲). «کاوشی در مجازات محارب و مفسدفی‌الارض». مجله فقه اهل بیت، ۹(۳۵): ۳-۶۲.
- مؤمن قمی، محمد (۱۳۸۹). مجازات محارب و مفسدفی‌الارض. تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۷). جرایم علیم امنیت و آسایش عمومی. تهران: انتشارات میزان.
- نجفی، حسن (۱۴۰۴). جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام. جلد چهل و یکم و چهل و سوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸). بایسته‌های فقه جزا. تهران: انتشارات میزان.